

پژوهش

سال دوم شماره پنجم، مهر ۸۳
No. 5, October 2004

ماهnamه داخلی اطلاع رسانی حقوقی

صاحب امتیاز: معاونت حقوقی و امور مجلس
ریاست جمهوری

مدیر مسؤول: محمد رضا دولت رفتار حقیقی

سردبیر: نادر ساعد

مشاور مدیر مسؤول: مهدی مهدی زاده

طرح و مشاور هنری: محمد رضا ساختمنگر

مشاوران علمی و هیات تحریریه
(به ترتیب الفبا): دکتر محمد آشوری، دکتر باقر
انصاری، دکتر ابراهیم بیگ زاده، پروانه تیلا، دکتر
میر شهیز شافع، دکتر محمود صابر، دکتر سید
حسین صفائی، دکتر محسن عبدالله، دکتر
محسن قاسمی، دکتر میر فردین فرشیشی، دکتر
فاطمه کیهانلو، جواد کارگزاری، هومن
موثق، سید محمد هاشمی.

ناظر اجرایی: مریم احترامی
ویراستار: فرنوش بهرامپور

حروف چین: طیبه ولی جانی، آزو شهریاری
رايانه و ايسترن: منصور گرامی برومند
امور اداری، ارتباطات و اطلاع رسانی: اکبر
رسولی، نادر جبلی، محمد علی قراخانی،
محمد رضا محمدی

نشانی: تهران، خیابان پاستور، خیابان ۱۲
فروردین جنوبی، کوچه پوریای ولی، شماره
۲۷ ، اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی:

تلفن: ۶۴۱۳۴۹
نمبر: ۶۴۱۹۵۰۱

پست الکترونیکی: Legalinf@gov.ir
پایگاه اینترنت: <http://Lri.govir.ir>

فهرست

سخن نخست

اولویت حقوق شهروندی: نتیجه حاکمیت قانون
در امتداد حاکمیت ملت ۷

گفت و گوی حقوقی

کار ویژه وزارت اطلاعات در نگاه حقوقی ۲/

پژوهش حقوقی

کتوانسیون چهارم زنو و سرزمنی‌های اشغالی فلسطین / ستار عزیزی ۱۰/
تأملی بر حقوق سازمان‌های غیر دولتی در نگاهی ایرانی / پروانه تیلا ۲۴/
رویکرد حقوق بین الملل به شبیه سازی انسان / هومن موشق ۴۲/
تأثیر رشد و گسترش محاکم و مراجع قضایی بر انسجام و همگونی
سیستم حقوق بین الملل / جاناتان چارنی ۴۷

نقد حقوقی

لایحه مجازات‌های اجتماعی در بوتة نقد و تحلیل / محمد جعفر ساعد ۵۴/

ناشران حقوقی

مصاحبه با مدیر مسؤول نشر میران ۶۴/

بازخوانی تاریخ حقوق

صندوق عدالت (۲) ۶۷/

قوانين و مقررات

تصویبات مجلس شورای اسلامی ۷۰/

تصویبات هیات وزیران ۷۰/

تصویبات کمیسیونهای دولت و نماینده‌گان ویژه ۷۳/

تصویبات شورای اقتصاد ۷۳/

آرای قضایی

آرای هیات عمومی دیوان عدالت اداری ۷۴/

آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور ۸۰/

تازه‌های نشر حقوقی

کتاب‌های حقوقی و فقهی / نشریات حقوقی ۸۵/

سایت حقوقی

آشنایی با سایت اداره کل پژوهش و اطلاع رسانی ریاست جمهوری ۸۷/
تصویر گرامی برومند

آموزش و حقوق

اولویت حقوق شهروندی: نتیجه حاکمیت قانون در امتداد حاکمیت ملت

بر اساس میثاق و منشور حقوقی و سیاسی حاکم در نظام جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت به منزله قدرت برتر فرماندهی و مدیریت امور عمومی، به حکم خالق هستی بخش، به انسانها تعلق گرفته و سپرده شده تا خود آزادانه سرنوشت خویش را رقم زنند و عواقب این اقدام ارادی را نیز در دنیا و آخرت پدیدار گردند. بنابراین، نقطه مشترک نظام جمهوری اسلامی ایران و اغلب نظامهای مبتنی بر منشا غیرالله حاکمیت، در این است که نهایات‌آمودم یا ملت صاحبان اقتدار عمومی (چه اصلاحاتی یا به نمایندگی از خداوند) تلقی می‌شوند. در این راستا است که حاکمیت مردم یا ملت معنا می‌یابد. با این حال، این تأسیس حقوقی - سیاسی، بیش از آنچه موجود تفوق و فرادستی برای گروه حاکم و تهدید عموم به تقدیم و تبعیت باشد، کارکرد تکلیف سازی داشته و دارندگان این توان را از نظر حقوقی به تأمین مطالبات عموم ملزم می‌سازد. در این راستا است که «دولت حاکم» به «دولت خادم و خدمتگزار» یا «دولت مسئول و پاسخگو» تبدیل می‌شود.

از آنجاکه حاکمیت از آن مردم است، تنها آنچه به وسیله مردم یا نمایندگان منتخب شان الزام آور شناخته شده و صورت بندی حقوقی یافته است، از وصف «قانون» برخوردار خواهد بود. بر این اساس، حاکمیت قانون به عنوان لزوم پایبندی ملت و حکومت به قانون و محدودیت صلاحیت فرادستان به آنچه در قانون به صراحت مقرر شده است، تابعی از حاکمیت ملت است و عدول از قانون یا جایگزین شدن مصوبات مجلس بوسیله تصمیمات، عاملی مهم در تضعیف قانون‌مداری در جامعه سیاسی خواهد بود.

در این میان، مهمترین قواعدی که در پرتو نظم و چیدمان هرمی شکل موازین حقوق موضوعه اولویت دارند، در پنهان قانون اساسی نهفته اند. در واقع، قانون اساسی، منشور حقوق و تعهدات بنیادین دولت و ملت و میثاق هدایت جامعه به سمت تعالی و مطلوبیت‌های پذیرفته شده از سوی ملت است. تأمین نظم حقوقی و سیاسی جامعه بیش از هر چیز در گروه رعایت قانون اساسی است. منظور از رعایت قانون اساسی نه تنها عمل به تکالیف نهفته در آن بلکه خودداری از اقدامات مغایر با منطق و روح آن است.

مهمترین بعد از رعایت حرمت قانون اساسی، محدود کردن عملکرد نهادهای اعمال اقتدار عمومی به مرز حقوق اساسی شهروندان است. بدین طریق، رعایت حقوق شهروندان در ابعاد سلبی و ایجابی، هسته قانون اساسی را تشکیل می‌دهد و بستر تحقق حاکمیت قانون اساسی و در نتیجه، ایفای الزامات دولت خدمتگذار و پاسخگو در برابر عموم را فراهم خواهد ساخت، و این موضوعی است که به رغم انتظار مردم و جامعه حقوقی، در عملکرد نهادهای حاکم آن گونه که باسته است به صورت شفاف نمود نیافته است.

کارویژه وزارت اطلاعات در نگاه حقوقی

- جناب حجت الاسلام و المسلمین باقری ضمن تشکر از عنایت جنابعالی برای این مصاحبه، رشته کلام را با شرح مختصری از وزارت اطلاعات و وظایف آن بگشایید.
- تمركز در کار اطلاعاتی و سامان دادن به مجموعه فعالیت هایی که به صورت پراکنده صورت می گرفت پیش رفتیم.
- در سال ۱۳۶۲ قانون تأسیس وزارت اطلاعات در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و در سال ۱۳۶۳ نیز وزارت اطلاعات رسماً شروع به کار کرد. نکته قابل توجه این است که با شکل گیری وزارت اولاً، یک نوع حرکت از سمت پراکنده و تشتت به سمت «تمركز» رفت و در واقع محوریت در کار اطلاعاتی ایجاد شد. ثانیاً، سیستم اطلاعاتی از شکل «سازمان» به «وزارت اطلاعات» تبدیل شد و این معنایی کاملاً همسو با اهداف انقلاب داشت و حاکی از نگاهی بود که انقلابیون به نوع حکومت و مسئولیت های سیستم اطلاعاتی داشتند. ثالثاً، امنیت (به معنای بخش عملیاتی) از سیستم اطلاعاتی جدا شد.
- این از آن جهت بود که از امتراج قدرت اطلاعاتی (که نوعاً هر جا اطلاعات باشد قدرت هم آن جاست) با توان عملیاتی جلوگیری شود تا جلوی سواستفاده احتمالی از اطلاعات و به کارگیری آن در جهتی غیر از سیاست های کلان کشور گرفته شود. سیستم اطلاعاتی را در قالب ساختار وزارتی تعریف کردند تا اولاً، در برابر مجلس پاسخگو باشد و ثانیاً، سیاست ها، برنامه ها، کارگردها و بودجه آن، از شفافیت کافی برخوردار باشد و ثالثاً، در خدمت اهداف کلان نظام باشد تا در خدمت یک فرد خاص (چه رئیس جمهور، چه نخست وزیر، چه وزیر کشور و
- گفتوگو با معاونت پیشین حقوقی و امور مجلس وزارت اطلاعات، این مصاحبه در زمان فعالیت حجت الاسلام و المسلمین باقری به عنوان معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت اطلاعات انجام شده است.
- جناب حجت الاسلام و المسلمین باقری ضمن تشکر از عنایت جنابعالی برای این مصاحبه، رشته کلام را با شرح مختصری از وزارت اطلاعات و وظایف آن بگشایید.
- برای پاسخ به این سؤال باید به سابقه شکل گیری وزارت اطلاعات باز گردید. بدون تردید هیچ نظامی بی نیاز از یک سیستم و دستگاه اطلاعاتی نیست. وجود سواک یعنی «سازمان اطلاعات و امنیت کشور» در رژیم گذشته و جنایات فجیع و ضدانسانی که این سیستم در حق مردم عدالت خواه و آزاداندیش و توهه های متدين مردم انجام می داد، یک ذهنیت منفی نسبت به دستگاه اطلاعاتی ایجاد کرد به طوری که رژیم شاه مجبور شد در پایان عمر خود آن را منحل اعلام کند و تا چند سال بعد از پیروزی انقلاب کسی حاضر به بازسازی آن نبود و از آنجا که هیچ نظامی بدون سیستم اطلاعاتی امکان گردش روان امور و مقابله با تهدیدات را ندارد، لذا در سالهای اولیه انقلاب به صورت خودجوش، نهادهای متعددی شکل گرفت که مسئولیت و وظيفة کار اطلاعاتی را به عهده داشتند.
- عمده ترین و شاخص ترین آنها یکی در نخست وزیری بود که بیشتر به کار اطلاعات خارجی و مسایل ضدجاسوسی می پرداخت. واحد اطلاعات سپاه هم به عنوان یک نهاد پرخاسته از دل انقلاب و تدبیر انقلابیون شکل گرفت. کمیته های انقلاب و دادستانی انقلاب نیز به کارهای اطلاعاتی می پرداختند. نیروی انتظامی هم که از قبل واحدهای اطلاعاتی داشت و بعد از انقلاب هم به کار خود ادامه داد. به هر صورت، کار اطلاعاتی در واحدهای مختلفی پراکنده بود تا نهایتاً به سمت ایجاد

غیر اینها).

در هر حال این تدبیر قانونگذار از یک طرف ناشی از آن بدینه هایی بود که از سیستم اطلاعاتی گذشته در اذهان وجود داشت و از طرف دیگر ناظر به آن اهدافی بود که از حکومت اسلامی و نظام اسلامی مدنظر قانون گذاران و متولیان اصلی انقلاب و حکومت در آن مقطع بود. آنها حکومت را وسیله ای برای خدمت به مردم و تسهیل جریان اموری دیدند نه ابرازی برای سلطه بر مردم یا زورگویی به مردم ولذا همه تمہیدات اندیشه شد

تا ساختارها طوری شکل بگیرد که هیچ نوع خللی به آزادی، امنیت، عدالت، آسایش روحی مردم و پهادشت روانی جامعه وارد نشود.

اگر به قانون وزارت اطلاعات که در سال ۶۲ تصویب شد مراجعه شود در آن جا کاملاً این مطلبی که عرض می کنم گویاست. به علاوه در آین نامه هایی که براساس آن قانون تدوین و تصویب شده، هم وظایف سیستم در آنجا کاملاً مشخص است هم مرزهایی که وزارت خانه موظف است آن مرزهای را حفظ نکند، از جمله نوع مناسبات این سیستم به عنوان سیستم مادر با واحدها و دستگاه هایی که کار اطلاعاتی در حوزه تخصصی خودشان دارند.

با این توضیحات، وزارت اطلاعات با مقوله امنیت چه نسبتی پیدا می کند؟

نیست اطلاعات با امنیت روشن است. هدف سرویس اطلاعاتی، تأمین امنیت در کلیه سطوح می باشد. هیچ امنیتی نیست که بر پایه اطلاعات استوار نباشد. تنها از رهگذار اطلاعات دقیق و همه جانبه از توطئه های دشمن، از طرح های پنهان و دسیسه هایی که ممکن است برای برآنداری نظام یا اخلاق در بخشی از اهداف و سیاست های نظام صورت بگیرد، امنیت تأمین می گردد. بحث ما این است که در ساختار وزارتی اقدام عملیاتی عمده ای به عهده واحدهایی مستقل از وزارت اطلاعات گذشته شده است.

البته در طول زمان و به حسب ضرورت با مجوزهایی که در زمان حیات مبارک حضرت امام(ره) از ایشان و بعد از آن هم از سوی مقام معظم رهبری در اختیار وزارت گذشته شد، در پاره ای از موقع وارد عرصه های عملیاتی نیز شده ایم ولی به صورت کلان و ساختاری، بخش عملیاتی، مستقل از وزارت اطلاعات طراحی شده و بیگری می شود.

اتفاقاً نکته مطرح همین است. ذهنیتی که وجود دارد این است که

هدف سرویس اطلاعاتی، تأمین امنیت در کلیه سطوح می باشد. هیچ امنیتی نیست که بر پایه اطلاعات استوار نباشد. تنها از رهگذار اطلاعات دقیق و همه جانبه از توطئه های دشمن، از طرح های پنهان و دسیسه هایی که ممکن است برای برآنداری نظام یا اخلاق در بخشی از اهداف و سیاست های نظام صورت بگیرد، امنیت تأمین می گردد

وزارت اطلاعات وارد مقوله عملیاتی امنیت هم می شود. این را یک حالت استثناء می بینید؟

ما مدتیها با مقوله ای به نام ترویریسم مواجه بوده ایم. برخورد با تروریست ها تصمیم لحظه ای و قدرت اقدام لحظه ای لازم داشت. ما موظف بودیم که اطلاعات مربوط به خانه های تیمی، اهداف، برنامه ها و امکاناتی که تروریست ها در اختیار داشتند را گردآوری کنیم و در اختیار نیروهای عمل کننده قرار دهیم. ولی گاهی نیروهای ما در صحنه با این هاروبرو می شدند. در آن حالت نمی توانستند اقدام را متوقف کنند تا مثلاً با نیروی انتظامی یا با سپاه هماهنگی شود. مجبور بودند که

خودشان دست به سلاح ببرند و برخورد کنند. برای اینگونه موارد ما مجوزهایی داشتیم و براساس آن مجوزها بخشی از نیروها به کارهای عملیاتی هم می پرداختند.

● آیا سعی شده که از این ضرورت ها تعریف دقیق و مشخصی صورت گیرد و در قالب قانون پیش بینی شود یا به این مجوزهای خاص اکتفا شده است؟

آن چه تاکنون هم انجام گرفته در چارچوب های تعریف شده ای بوده است. متنها برای انسجام بیشتر، چند سال قبل لایحه ای تهیه شد. انگیزه همین مسأله بود که مجوزهای مزبور را به متن قانون تبدیل کنیم که با وضعیتی که در آن فضای پیش آمد، این لایحه پس گرفته شد. امیدواریم در یک فضای مناسبتری بتوانیم برخی از کاستهایی که نیاز به اصلاح دارد را با کمک مجلس شورای اسلامی و مسئولین امر جریان نماییم.

● با تعریفی که شما از خطر دارید آن چیزی که اساس یک حکومت و نظام را به خطر می اندازد آیا شاخص های عینی مشخصی دارد یا صرفاً بر حسب برداشت های ذهنی شخصی است؟

تعريف خطر بر حسب شرایط و موقعیتی که کشور از لحاظ سیاسی و اجتماعی در آن قرار دارد و همچنین بر حسب موقعیتی که از جهت ثبت یا عدم ثبت نهادهای حکومتی در کشور وجود و نوع نگاه دشمنان به این کشور، تفاوت می کند.

مسلمان کشوری که سال های نخستین شکل گیری اش را سپری می کند و هنوز نهادهای حکومتی کاملاً نهادینه و ثبت نشده و جانگرفته اند و شناخت کافی روی نیروهایی که در گوش و کنار کشور قدرت و امکانات در اختیار دارند وجود ندارد، خطر را یک طور تعریف می کند. در حالی که وقتی کشور به یک ثبات نسبی می رسد و از جهت ساختارهای حکومتی از یک نوع اطمینان خاطر برخوردار می شود و نسبت به نیروهای در اختیار از این اطمینان برخوردار می شود که در کلان به او خیانت نخواهد کرد، طبیعتاً با خطراتی که اورا تهدید می کند با مدارای بیشتری روبرو می شود و در واقع «آستانه تحمل پذیری» آن افزایش خواهد یافت، مثلاً کشوری که یک زندگی عادی در آن جریان دارد خطر را یک طور تعریف می کند، در حالی که کشور دیگری که با دشمنان کینه تویزی روبرو است که با همه وجود تلاش می کند از هر راه ممکن حکومت را دستخوش سرنگونی و براندازی قرار دهند، طبیعتاً مجبور است با هوشیاری و احتیاط بیشتری با موضوع برخورد کند.

در هر حال، بر حسب میزان قدرتی که یک حکومت در خودش احساس می کند و پایگاه مردمی و اقتداری که از آن برخوردار است، آستانه تحمل پذیری اش در برابر خطرات بیشتر می شود و حساسیت کمتری نسبت به حرکتها که در جهت مخالفت یا ایذاء و ایجاد مراحمت برای جامعه و مردم می شود از خود بروز می دهد.

● به نسبت این تغییر و تحولی که به هر حال بعد از انقلاب به آن رسیده ایم و الان شاهدش هستیم و این که الان به این ثبات رسیده ایم. نوع فعالیت وزارت اطلاعات چه تفاوتی نسبت به سال های اول انقلاب کرده است؟

حرکت وزارت اطلاعات یک روند صعودی و رو به رشد داشته، هم از جهت نوع فعالیت ها و حرفة ای تر عمل کردن و هم از جهت عرصه های فعالیت که به فراخوز نیاز دوره های مختلف از انعطاف برخوردار بوده است. یعنی در شرایط توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی و یا در شرایطی که ما در چنگ و یک نیرو نایابر سنگین به سر می بردیم یا در دوره ای که کوچه به کوچه و خیابان به خیابان با ترویریست ها روبرو بودیم، نوع جهت گیریها متفاوت بود. چرا که مطالبات و انتظارات از سیستم اطلاعاتی در شرایط مختلف فرق می کند. البته یک طیف از فعالیت های وزارت ثابت است، مثل نگاه امنیتی به بیگانگان و گروه های برانداز نظام که انعطاف دریاره آنها به معنای عمل حرفة ای تر و بهره گیری از شیوه های نوین و روز آمد اطلاعاتی می باشد.

بعضی‌ها مستقیماً با دفتر وزیر مکاتبه می‌کنند و ایشان ارجاع می‌دهد به بعضی‌های مربوطه، یکی از مسویت‌های معاونت حفاظت پی‌گیری شکایت‌هایی است که از بیرون (از ناحیه متهمنین و کسانی که به نوعی با وزارت اطلاعات ارتباط داشتند) صورت می‌گیرد و احیاناً استیفاده حقوقی که ضایع شده باشد.

معاونت بازرگانی هم همین مسویت را به گونه‌ای به عهده دارد و حتی بعضی از مشاورین وزیر هم از ناحیه وزیر مأموریت دارند که در موارد خاص و به صورت ویژه اقدام به بررسی بکنند.

- اگر شکایتی از این جهت وجود داشته باشد به کدام یک از این مراجع می‌توان مراجعه کرد؟

معاونت حقوقی یکی از دریافت کنندگان شکایت‌هاست و خود را موظف می‌داند پیگیری کند، معاونت بازرگانی، معاونت حفاظت و خود جانب وزیر و دفتر وزیر هم همین طور، به صورت، هر بخش از سیستم به خصوص آن بخش‌هایی که نام بردم مسویت دارند که پی‌گیری بکنند.

ما مدتها با مقوله‌ای به نام ترویسم مواجه بودیم. ما موظف بودیم که اطلاعات مربوط به خانه‌های تیمی، اهداف، برنامه‌ها و امکاناتی که ترویست‌ها در اختیار داشتند را گردآوری کنیم و در اختیار نیروهای عمل کننده قرار دهیم

نکته دیگر اینکه با توجه به حساسیت درونی شخص وزیر و همکارانش شاید در داخل وزارت اطلاعات توجه به این مسأله خیلی جدی باشد ولی در بیرون این را مردم در کجا باید ببینند؟ بدون شک یکی از این جاهای لوایحی است که می‌تواند از طرف وزارت اطلاعات به مجلس داده شود. فرض بفرمایید بحث حریم خصوصی یکی از آن بحث‌های جدی است که خلاء قانونی آن به شدت احساس می‌شود و وزارت اطلاعات از آن جاهایی است که به نحو جدی با مسأله حریم خصوصی مرتبط می‌شود. این دغدغه خاطری که احساس می‌شود در سال‌های اخیر به وجود آمده آیا در قالب لوایح و قوانین بروز و نمودی داشته است؟

واقع امر این است که ما مشکل جدی قانونی در این زمینه نداریم و قانونگذاران تقریباً بیشترین و در واقع اصلی ترین دغدغه شان رعایت حدود و رعایت حقوق مردم بوده است. اصول بسیاری از قانون اساسی و قوانین موضوعه بر این امر تأکید دارند که حریم‌های خصوصی افراد باید به طور کامل رعایت شود. در عین حال، در پاسخ سوال شما عرض می‌کنم که ما تاکنون طرح و یا لایحه مستقیمی تحت عنوان «حریم خصوصی» نداشته‌ایم ولی در لوایحی که به گونه‌ای مربوط به حریم خصوصی افراد می‌شود مثل بخشی از قانون تعزیرات‌یالوایح و طرح‌های موسوم به جرم سیاسی، منع شکنجه، شنود، انتخابات، مقررات استخدامی، حقوق ایرانیان مقیم خارج، مقوله ورود و اقامت و منوع الخروجی و امثال آن، وزارت اطلاعات و معاونت حقوقی آن، بارعایت غبطه حقوق شهروندی در کنار مسأله امنیت و منافع ملی، نقش به سزاپی در ارایه پیشنهادهای راهگشا داشته است و هم اکنون نیز از هیچ تلاشی در این زمینه فروگذار نمی‌کند. حتی در رابطه با حفظ این حقوق طی موادی قاطع در قانون استخدامی وزارت، کارکنان را مقید به رعایت قوانین و حدود شرعی کرده است و برای برخورد با تخلفات احتمالی سازوکارهایی را پیش‌بینی نموده است مثل معاونت حفاظت (که یکی از

- چالش‌های حقوقی دفاع از امنیت نظام و حفظ حقوق شهروندی را چگونه می‌بینید؟
- در یک چنین جامعه‌ای طبعاً ما با یک سلسله چالش‌های جدی روبرو هستیم. چرا که حفظ حدود قانونی و حقوق شهروندان و در عین حال دفاع از کیان حکومت و تمامیت نظام و جلوگیری و مقابله با عواملی که مزاحمت برای امنیت و آسایش خاطر مردم ایجاد می‌کنند، مسویت سنجیگیری است که به عهده سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی است. به خصوص معاونت حقوقی و امور مجلس بیشترین تلاش را دارد که از یک سو حقوق مردم در کشاکش فعالیت‌های اطلاعاتی و امنیتی ضایع نشود و از این حقوق دفاع کند و از سوی دیگر از حقوق نظام که باز هم به گونه‌ای حقوق تمایت مردم است، دفاع کند و مانع از این شود که مختصات دوران توسعه ضربه‌ای را متوجه کیان و تمایت نظام یا بخش‌های عمله نظام کند. در بعد عملی نیازمند شفاف سازی برای خلاصهای موجود به وسیله برخی پیش‌نویساهای قانونی هستیم که انشاء الله این چالش را به نفع مردم و نظام تأمین پشت سر خواهیم گذاشت. چرا که دفاع از امنیت نظام و رعایت حقوق شهروندی هر دو در یک راستا می‌باشد و در واقع هدف از تأمین امنیت نظام، در نهایت حفظ حقوق شهروندی است و به عکس، تحقق حقوق شهروندی بدون وجود امنیت میسر نمی‌باشد.
- در مواقعي که بین اين دو مسأله توأمان «حقوق شهروندان و حقوق حکومت» تعارض پيش بيايد کدام مقدم است؟
- ما قائل به این تعارض نیستیم. ما معتقدیم که انسان به عنوان یک انسان و یک فرد، از نوعی اصالت و حقوق قطعی برخوردار است و هیچ عاملی نباید مانع حفظ این ارزش و اصالت باشد. از این طرف جامعه هم به عنوان جامعه از نوعی اصالت برخوردار است و رعایت حقوق جامعه هم به گونه‌ای غیرمستقیم، رعایت حقوق تک تک آحاد ملت محسوب می‌شود.
- بنابراین رعایت توأمان «حقوق فرد» به منزله دو بال لازم برای یک حرکت متعادل و متوازن، ضرورت همه زمان‌ها است و اعتقاد وسیعی مابراین بوده و هست که هیچ نوع تضاد و تنافی بین رعایت این دو دسته از حقوق به وجود نیاید. ولی به اقتضای حکم عقل و «قاعده‌اهم و مهم» اگر جایی تضاد جدی بین حقوق فرد و اجتماع و وجود داشته باشد، مسلمان حقوق جمع مقدم خواهد بود. البته، نه همانند حکومت‌هایی که اصالت را به جامعه می‌دهند. با این حال، این موارد کمتر ممکن است اتفاق بیفتد.
- ذهنیتی که درباره کسب خبر و اطلاعات هست، احتمال عدم رعایت حرمت شهروندان و عدم رعایت حریم خصوصی آن‌ها است. آیا واقعاً وزارت اطلاعات با دقت نظر بر روی این حقوق مردم به دنبال کسب اطلاعات و خبر است؟
- از مهمترین دغدغه‌هایی که وزارت اطلاعات داشته و دارد رعایت حقوق یکایک شهروندان است. به خصوص در سال‌های اخیر بیشترین تأکید روی آن صورت گرفته است. البته این به معنای نفی این مسأله در دوره‌های گذشته نیست ولی اقتضای شرایط جدید طبعاً توجه بیشتر به این نکته بوده است.
- جناب وزیر هم در اکثر قریب به اتفاق اظهار نظرها و در بخشنامه‌های متعدد روی این نکته تأکید کرده‌اند که حتی در برخورد با معاندترین دشمنان هم باید اخلاق اسلامی و حرمت انسانی افراد مدنظر باشد و به بهانه کار اطلاعاتی به هیچ وجه وارد حریم خصوصی و آنچه که مجوز شرعاً برای آن وجود ندارد نشویم و اگر احیاناً موردی هم اتفاق بیفتد که ناخواسته حقی از کسی ضایع شود ایشان بخش‌های مختلفی را مامور برخورد، بازرگانی و استیفاده حقوق آن فرد کرده است. معاونت حقوقی یکی از آن دستگاه‌های است. (البته عمدتاً آن چه که از ناحیه مجلس و نمایندگان مجلس به ما منتقل می‌شود).

سیستم اطلاعاتی با مجلس و دولت است که اگر لازم باشد من اینها را به تفکیک و جدا جدا توضیح می‌دهم. وظیفه دیگر شناسایی خلاصه‌های قانونی و تهیه پیش‌نویس طرح‌ها و لواح مناسب و دفاع از آنها در دولت و مجلس است. همچنین بررسی کارشناسی و اظهار نظر پیرامون طرح‌ها و لواحی که دیگر دستگاه‌ها دارند و در دولت و مجلس مطرح می‌شود و در حدی که به وزارت ارجاع می‌شود یا وزارت در جریان آن قرار می‌گیرد یا به گونه‌ای مربوط به حوزه‌های تخصصی و مأموریتی وزارت است.

حوزه سوم مسئولیت‌های ما مربوط به استیفاده حقوق و وزارت - در آن جایی که احیاناً حقوق وزارت مورد تعریض قرار بگیرد - و استیفاده حقوق شهر وندان است، آن جایی که از طریق مجلس به ما ارجاع بشود (چه مستقیم از سوی نمایندگان مجلس یا از طرف کمیسیون‌ها به خصوص کمیسیون اصل نود که ما بیشترین تعامل را با آن کمیسیون داریم)، در حوزه دعاوی و حقوق بین‌الملل نیز مشارکت در تهیه دادخواست علیه جنایات آمریکا و ضدانقلاب و بی‌گیری حقوقی که حکومت‌ها و قدرت‌های بیگانه و ضدانقلاب از مردم و کشور ضایع کرده‌اند (چه در مجتمع داخلی و چه در مجتمع خارجی)، از جمله وظایف این معاونت می‌باشد، البته مسئولیت مستقیم در این زمینه بر عهده دیگران است؛ دستگاه قضایی، وزارت امور خارجه، دفتر خدمات حقوقی ریاست جمهوری، ستاد کل نیروهای مسلح و دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی.

این دستگاه‌ها مجموعاً مسئولیت پیگیری دعاوی علیه جنایات آمریکا و کمک به شاکیان خصوصی را در قالب کمیته‌ای که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی تشکیل می‌شود به عهده دارند که ما هم از اعضای آن کمیته هستیم.

بررسی معاهدات و کتوانسیون‌ها و موافقتنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جهت منافع و مضرای پیوستن با عدم پیوستن به آنها و الزاماتی که متوجه ما می‌کند از نظر اطلاعاتی و امنیتی به عهده ماست. گرچه واحدهای دیگر هم در این خصوص مسئولیت دارند و بیشترین مسئولیت هم متوجه وزارت امور خارجه است.

یکی دیگر از حوزه‌های مسئولیت این معاونت ارتباط با اعضای جامعه اطلاعاتی و پاسخگویی به نیازهای آن‌ها و تأمین نیازهای وزارت از آنها و رفع مشکلاتی است که احیاناً در تعامل بخش‌های مختلف وزارت با اعضای جامعه اطلاعاتی پیش می‌آید.

• منظور از جامعه اطلاعاتی چیست؟

جامعه اطلاعاتی عبارت است از وزارت اطلاعات به عنوان سازمان اصلی و مادر، واحدهای اطلاعات و ضداطلاعات سپاه، ارتش و نیروی انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.

تاکنون ما بیشتر روی شناسایی خلاصه‌ای قانونی متمرکز شدیم هر چند باز ابهاماتی وجود دارد. یک سری خلاصه‌ها و نوافصی هم که ممکن است وجود داشته باشد مربوط به ساختارهای است. اما نکته‌ای که شاید خیلی اهمیت دارد مسائل ماهوی کاری است. فرض بفرمایید وقتی می‌گوییم حریم خصوصی افراد باید رعایت شود واقعاً از حریم خصوصی چه تعریفی داریم؟

ممکن است در خصوص افراد در داخل وزارت اطلاعات دستورالعمل‌هایی داشته باشید ولی ما بسیاری از «قوانين» مربوط به وزارت اطلاعات را نیز با مهر محترمانه می‌بینیم و شاید در اختیار مردم نباشد تا چه برسد به آن دستورالعمل‌ها. این محور به ویژه مباحثت ماهوی که وزارت اطلاعات و پرسنل آن تا کجا حق دارند پیش بروند این را مردم چگونه باید مطلع بشوند؟

اطلاع مردم طبیعتاً با مراجعته به متون قانونی و مراجعی که باید اطلاعات در این خصوص را در اختیار بگذارند حاصل می‌شود. البته این ضعف را می‌پذیریم که در تعامل با مردم از روابط عمومی قوی برخوردار

و ظایف آن برخورد با تخلفات احتمالی پرسنل می‌باشد)، دادگاه تخلفات اداری، و در نهایت، سازمان قضایی نیروهای مسلح که طبق مجوز حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری مسئولیت رسیدگی به جرایم احتمالی پرسنل وزارت اطلاعات را به عهده دارد.

• حراستها چطور؟

در رابطه با حراست‌ها، طی سالهای گذشته بنا به پیشنهاد وزارت اطلاعات، تصمیمات و دستور العملهای مختلفی از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی، در جهت تعریف شفاف و ظایف حراستها و مقید کردن آنها به قانون، ابلاغ گردیده است و هم اکنون نیز حراست کل کشور در جهت قانونمند کردن امور و تقویت مدیریت سالم و برخورد قانونی با تخلفات، بحث‌های مختلفی را در دستور کار خود دارد که امیدواریم به زودی پیش‌نویس مناسبی را تهیه و به دولت و مجلس ارایه نماییم.

• به نظر می‌رسد معاونت حقوقی پشتوانه علمی و پژوهشی و اطلاعات تخصصی در این مباحث را داراست ولی هیچ کس در این موارد کارشناس ترا از کارشناسان وزارت اطلاعات نیست. معاونت حقوقی و امور مجلس چه حساسیتی نسبت به این امور پژوهشی و نوشتن لواح و پیشنهاد اصلاح قوانین دارد؟

ما به صورت مستمر بر روی مجموعه طرح‌ها و لواحی که در دولت و در کمیسیون‌های مجلس مطرح است کار می‌کنیم. یعنی برای

رعايت توأمان «حقوق جامعه» و «حقوق فرد» به منزله دو بال زمان‌ها است و اعتقاد و سعی ما بر اين بوده و هست که هيچ نوع تضاد و تنافی بين رعايت اين دو دسته از حقوق به وجود نيايد. ولی به اقتضای حكم عقل و «قاعدة اهم و مهم»، اگر جايی تضاد جدي بين حقوق فرد و اجتماع وجود داشته باشد، مسلماً حقوق جمع مقدم خواهد بود

اظهارنظر به مراجعت داده می‌شود و ما موظف هستیم که با نگاه کارشناسی اینها را بررسی کنیم و نقطه نظرات خود را منتقل بکنیم (چه به صورت مکتوب و چه به صورت شفاهی و با حضور در کمیسیون‌های دولت و مجلس). بنابراین کار معاونت حقوقی در عرصه قوانین و مقررات در طرحهایی که مستقیماً به وظایف وزارت اطلاعات مربوط است خلاصه نمی‌شود بلکه قوانین و مقرراتی که در حوزه‌های مختلف مطرح است بررسی آن از جنبه امنیتی و از جهت رعايت حقوق مردم در بسیاری از موارد به عهده این وزارت خانه و این معاونت است و ما به پشتوانه کارشناسانی که در مجموعه وزارت (در بخش‌های مختلف) وجود دارند، در این طرح‌ها و لواح اظهارنظر می‌کنیم و نظراتمان را منعکس می‌کنیم. گرچه الزاماً برای دستگاه‌های قانونگذار نیست که هر آنچه وزارت خانه پیشنهاد کرده را به تصویب برسانند ولی نوعاً پیشنهادهای ما راهگشاست و در دولت و مجلس مورد توجه قرار می‌گیرد.

در موارد خاصی هم - که طبیعتاً محدود خواهد بود - برای رفع برخی از خلاصه‌های قانونی در داخل سیستم خودمان، یا حتی خلاصه‌های مردم به حوزه اطلاعات و امنیت کشور به تهیه بعضی لواح اقدام می‌کنیم که از طریق دولت و مجلس مراحل تصویب را طی می‌کند.

علاوه بر بررسی طرح‌ها و لواح، دیگر وظایفی که معاونت حقوقی بر عهده دارد چیست؟

مشخصاً ما چند مسئولیت مستقیم داریم. اولین وظیفه و مسئولیت که در حوزه معاونت حقوقی و امور مجلس تعریف شده، تنظیم مناسبات

● حوزه معاونت حقوقی به طور خاص چه پژوهش‌هایی انجام می‌دهد؟

معاونت حقوقی این بحث و این دغدغه را همواره داشته که آیا لازم است در کنار این مؤسسه‌ای که در اختیارش هست بخشنده‌ی هم وابسته به خودش داشته باشد یا نه؟ هنوز به این ضرورت نرسیده‌ایم. من بعد از گفتگو با شما، با یکی از پژوهشکده‌هایی که مسئولیت مطالعات راهبردی را بر عهده دارد جلسه‌ای دارم و برخی از نیازهایمان را از آن طریق پی‌گیری می‌کنم و یا دو روز قبل با شورای دانشکده خودمان جلسه داشتم و برخی از نیازهای پژوهشی مان را با آنها مطرح کردم. علاوه بر آن به نهاد ریاست جمهوری، اداره کل پژوهش و اطلاع‌رسانی و سایر مراکز، ارتباط داریم و سعی می‌کنیم برخی از نیازهایمان را از آن طریق تأمین بکنیم.

به هر صورت اعتقاد راسخ به اینکه اظهار نظرها و تصمیمات باید مبتنی بر کارشناسی دقیق و عملی باشد وجود دارد و عملاً هم به آن پایبند هستیم. نه فقط در عرصه مسائل حقوقی بلکه در عرصه‌ها هم همین طور است؛ در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، در عرصه مقابله ضدانقلاب، در عرصه فرهنگی و اجتماعی و در عرصه سیاسی.

● آیا کارشناسان و نیروهایی که معاونت حقوقی از آنها بهره می‌برد افراد تحصیل کرده حقوقی هستند؟

قطعاً! البته این طور نیست که همه کسانی که در این معاونت مشغول

نبوده‌ایم. به همین دلیل اخیراً وزارت در صدد ایجاد یک دیدارگاه اینترنتی به نام خودش برآمده است و روابط عمومی در این عرصه‌ها فعال تر برخورد می‌کند.

گرچه اطلاع‌رسانی به مسئولین نظام در سطوح مختلف به صورت روزانه و در سطح وسیعی - در قالب بولتن‌های خبری و تحلیلی - انجام می‌گیرد. منتهی درباره عامله مردم این نقص مطرح بوده و هست و الان در صدد هستیم که بیشتر با مردم صحبت کنیم. البته توجه دارید که بحث ورود به حریم خصوصی افراد و احیاناً تعدی به آن چیزی نیست که فقط در عرصه وزارت اطلاعات مصدق خارجی داشته باشد و باید موضوع در سطح ملی مورد توجه بیشتر قرار گیرد و شاید جای آن در قانون امنیت ملی باشد.

● بیشتر از سایر دستگاه‌ها ...؟

نه الزاماً اینطور نیست. نیروی انتظامی هم به دلیل اینکه مسئولیت برخورد با جرایم اخلاقی و نا亨جاري های اجتماعی را دارد ممکن است بیشتر از مادر معرض چنین آسیبی باشد. دستگاه قضایی مستقیماً با چنین مسئله‌ای روبروست و دستگاه‌های دیگر.

بنابراین قوانین عامی وجود دارد که همه دستگاه‌ها را ملزم می‌کند به رعایت حریم خصوصی افراد، به اضافه پیام ۸ ماده‌ای حضرت امام که فصل الخطاب این حوزه می‌باشد و مهمتر از همه اینکه ما از خطوط اصلی ای که اسلام ترسیم کرده‌نمی‌توانیم تعدی کنیم و یکی از بدیهی ترین اصول عملی در اسلام «منوعیت و رود به حریم خصوصی افراد» می‌باشد.

این اصول مستمرآ در بخشندامه‌ها و دستورالعمل‌های داخلی ما مورد تأکید قرار گرفته است. قوانین کلی آن هم که وجود دارد؛ قانون مجازات اسلامی، قوانین کفری و قوانین مدنی که تقریباً قوانین بسیار مترقی و جامعی هستند. کاستی جدی در این عرصه نداریم ولی شاید لازم باشد قانون مستقلی نیز تحت این عنوان تهیه شود که جای مطالعه دارد.

● برای بحث حریم خصوصی در بسیاری از کشورها قانون وجود دارد. به نظر شما حریم خصوصی یعنی چه و حد و مرزش چیست؟ ما یک کمبود جدی تر داریم که در واقع حریم خصوصی و عمومی را مشخص بکنند. خطوط قرمز در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی ترسیم کند و مناسبات حکومت کنندگان و حکومت شوندگان و حقوق متقابل آنها را ب یکدیگر کاملاً شفاف و بر جسته بکنند یک چنین چیزی مورد نیاز هست و آن قانون امنیت ملی است و ما هم دنبال این هستیم که گامهایی در این زمینه برداریم. البته علی القاعده شورای عالی امنیت ملی و دیپرخانه آن شورای شورای امنیت کشور و یا حتی خود مجلس هم می‌توانند چنین مسئولیتی را به عهده بگیرند اما هم که متولی سیستم اطلاعاتی کشور هستیم خود را موظف می‌دانیم که حداقل بیش نویسی در این مورد تهیه بکنیم.

● لواحی که از جانب وزارت تهیه می‌شود تا چه اندازه می‌بینی بر روش‌های علمی و به ویژه پژوهشها و استفاده از نظرات صاحب نظران حقوقی و اساتید دانشگاهی است؟

وقتی نمایشگاه‌هایی از آثار و محصولات وزارت تشکیل می‌شود و مسئولین در سطوح مختلف می‌آینند از نمایشگاه بازدید می‌کنند از حجم وسیع کارهای پژوهشی که در وزارت انجام می‌شود، دچار تعجب و شگفتی می‌شوند. ما یک دانشکده داریم که مسئولیت عمله اش به روز نگه داشتن پژوهش‌های علمی و نظرات به هنگام در عرصه‌های مختلف و به خصوص عرصه‌های مربوط به کار ماست. هدف سرویس اطلاعاتی، تأمین امنیت در کلیه سطوح می‌باشد. هیچ امنیتی نیست که بر پایه اطلاعات استوار نباشد. تنها از رهگذار اطلاعات دقیق و همه جانبه از توئه‌های دشمن، از طرح‌های پنهان و دسیسه‌هایی که ممکن است برای براندازی نظام یا اخلاق در بخشی از اهداف و سیاست‌های نظام صورت بگیرد، امنیت تأمین می‌گردد.

بررسی معاهدات و کنوانسیون‌ها و موافقنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جهت منافع و مضار پیوستن یا عدم پیوستن به آنها و الزاماتی که متوجه ما می‌کند از نظر اطلاعاتی و امنیتی به عهده ماست. گرچه واحدهای دیگر هم در این خصوص مسئولیت دارند و بیشترین مسئولیت هم متوجه وزارت امور خارجه است.

خدمت هستند مدرک حقوقی داشته باشند ولی همه نگرش حقوقی دارند. غیر از این ماسی کرده‌ایم بادوستانی که صاحب مدرک تخصص حقوقی بوده و در بخش‌های مختلف وزارت هستند یک ارتباط سیستماتیک داشته باشیم و نیازهایمان را به صورت موردي از طریق نیروهای صاحب نظر خارج از معاونت پی‌گیری کنیم.

● در واقع اصل تخصص گرایی را در عرصه معاونت حقوقی دنبال کرده‌اید.

همینطور است. ارتقای دانش حقوقی افراد و آشنایی با قوانین و مقررات و تهیه کتاب‌هایی در این زمینه و ازمنون گرفتن از نیروها در این عرصه، جزء برنامه‌های ثابت همه ساله ماست. نوع نیروهایی که در این معاونت هستند غالباً ساقه پانزده سال در این کار دارند و زیاده هستند.

● اساساً معاونت حقوقی و امور مجلس یک وزارت‌خانه را چطور تعریف می‌کنید؟ و چه جایگاهی برای آن قائل هستید؟

بستگی به نوع نگاهی که آن دستگاه اولاً، به مجلس و ثانیاً، به قانون دارد، فرق می‌کند. در وزارت اطلاعات ما برای مجلس اعتبار بالایی قائل هستیم و از جمله وزارت خانه‌هایی هستیم که نمایندگان مجلس، نوعاً مرا به عنوان وزارت پاسخگو می‌شناشند. درباره تطبیق کارکرد بخشها مختلف با قانون بیشترین اهتمام را داریم تا از حدود قانون تخطی نشود. ما حتی درباره تطبیق بخشندامه‌ها با قانون حساسیت به خرج می‌دهیم که در بخشندامه‌ها از حدود قانون تخطی نشود. حتی اگر

طبيعتاً معاونت حقوقی رياست جمهوري حوزه گسترده تری را دارد چون به گونه ای باید به مجموعه موضوعات پوشش بدهد. ولو اين پوشش از رهگذر هماهنگی و گرفتن نظرات دستگاه های مختلف باشد اين يك نقش است.

نقش ديگری که از معاونت حقوقی رياست جمهوري انتظار می رود و علی القاعده وجود دارد ايجاد هماهنگی و انسجام بين مجموعه واحدهای حقوقی دستگاه های دولتی است و توجه کلان به نيزمندی ها و مشکلات واحدهای حقوقی دستگاه های مختلف دولتی و احیاناً تهیه آیین نامه ها و دستورالعمل هایی که بتواند ناظر به این بخش از مشکلات يانیازمندی ها باشد. از این جهت معاونت حقوقی و امور مجلس رياست جمهوري طبیعتاً از اهمیتی فوق العاده و فراتر از آنچه که در ديگر دستگاه ها شاهد هستيم برخوردار است.

• ارزیابی شما از نوع عملکرد معاونت حقوقی رياست جمهوري در همین زمینه که اشاره داشتید چیست؟

به خصوص در سال های اخير به اين مقولات جدي تر پرداخته شده است. يكی از نمونه هایي که می توان مثال زد تشکيل جلسات شورای معاونت پارلماني است که علی القاعده هر پانزده روز يکبار باید تشکيل بشود. به هر صورت يكی از نمونه هایي که می توان ارایه داد فعالتر شدن اين بخش در دوره اخير است. در گذشته چنین جلسه ای به ندرت برگزار می شد.

همچنان نشست های مشترکی بين دولت و مجلس سامان می گيرد که متولی آن معاونت حقوقی رياست جمهوري است. در گذشته هم کم و بيش اين نشست ها بوده و در اين دوره سامان يافته تر انجام می گيرد. مطالعات حقوقی و به خصوص فعل کردن بخش پژوهشی و راه اندازی همین مجله حقوقی (اطلاع رسانی) از کارهای خوبی است که در اين دوره سامان گرفته و حکایت از نوعی پویایی و تحرکی بيش از گذشته در اين مجموعه دارد.

• يكی از زمینه هایي که شاید چندین سوال درباره آن مطرح بود ولی كمتر توانستيم به آن برسیم، شناسایي خلاه های قانونی و مسایلی از این دست در حیطه معاونت حقوقی است. آیا خلاه قانونی و نقص قانونی داریم؟ اگر داریم آیا اقداماتی صورت گرفته یا نه و ارزیابی خودتان از این بحث چیست؟

با مراجعة به بحث هایي که در آستانه تصویب قانون وزارت اطلاعات در مجلس شورای اسلامی در سال ۶۲ مطرح شده به خوبی معلوم می شود که تمرکز کار اطلاعاتی در وزارت اطلاعات با يك سلسله مقاومت ها و يك سلسله نقطه نظرات مخالف روبرو بوده است و همچنان هم هست. لذا در دوره های مختلف گزینه هایي متفاوت از آن چه به نام وزارت اطلاعات به عنوان «سيستم مادر» اطلاعات تصویب شده و عمل می كند در بين مسئولین و در سطوح عالي مطرح بوده است. چه بسا جلسات و گفتگوهای فراوانی هم در دوره های مختلف در اين جا انجام گرفته و نهايیاً هیچ گزینه ای بر گزینه فعلی و گزینه مصوب ترجیح داده نشده است. گرچه آن گزینه ها هم خالی از نقاط قوت نیست و چه بسا با برخی از آن گزینه ها برخی از ضعف های فعلی سیستم اطلاعاتی را بنوان جبران كرد ولی در نهايیت آن چه که در ترازوی ارزیابی و تقيین قرار گرفته کفه وزارت اطلاعات - با اين تعریفي که قانونگذار اولیه از آن کرده - ترجیح داده شده است. عرض کردم که ما با شکل گيری وزارت اطلاعات به مقتضای روحیه انقلابی و اهداف و آرمانی هایي که تعقیب می کردیم و نگاهی که به حکومت و به حقوق حکومت شوندگان داشتیم، شاهد يك نوع تحول جدي در ساختار سيستم اطلاعاتی كشور بودیم. طبیعتاً بحث هایي که در دوره تصویب قانون وزارت اطلاعات در مجلس مطرح شده فقط در عرصه نظر بروز نیافته و گاه در عرصه عمل هم خود را نشان داده اند.

معاونت های ستادي و سياستگذار وزارت تصمیم گرفته باشند و در حال بخشنامه کردن يا اقدام باشند ولی در بررسی های ما معلوم شود خلاف قانون است تذکر می دهیم و جلوی آن را می گیریم.

بنابراین اگر از اين منظر نگاه کنيم، طبیعتاً معاونت حقوقی و امور مجلس جايگاهش رفيع و بسيار حياتی و تأثيرگذار خواهد بود. به هر ميزان که در تعامل بين دستگاه و مجلس کم توجه بوده و به هر ميزان که در تطبیق کارکردها و سیاست ها با قوانین و مقررات جاري کمتر سخت گيري کنیم، به همان ميزان باید از اهمیت اين جايگاه بکاهیم. چه بسا در چنین شرایطی، معاونت حقوقی و امور مجلس در بعضی دستگاه ها به اسمی بی محتوا تبدیل شود.

• نظر خود شما اين است که ...؟

بنده اعتقاد دارم که معاونت حقوقی و امور مجلس جايگاه مهمی دارد به خصوص در وزارت اطلاعات. هم در پیگیری نيزاهات قانونی بخش های مختلف خود سیستم اطلاعاتی، هم در بررسی طرحها و لواح و اظهارنظر کارشناسی، هم در به خدمت گرفتن عقه کارشناسی وزارت در کمیسیون های دولت و مجلس برای پریارتر کردن قوانین و مقرراتی که در حوزه های مختلف در دستورکار دولت و مجلس است، هم در دفاع از حقوق مردم (در آن جایی که احساس می شود حقوق مردم دستخوش تعرض و تعدی قرار گرفته)، هم در دفاع از حقوق کلان جامعه و کشور (آن جایی که چه از طریق قوانین و تصمیمات، چه از

ما يك کمبود جدي تر داریم که در واقع حریم خصوصی و عمومی را مشخص بکند. خطوط قرمز را در عرصه های مختلف اقتصادي، سیاسی، فرهنگی، نظامی ترسیم کند و مناسبات حکومت کنندگان و حکومت شوندگان و حقوق متقابل آنها را با يكديگر کاملاً شفاف و برجسته بکند يك چنین چیزی مورد نیاز هست و آن قانون امنیت ملی است و ما هم دنبال اين هستیم که گامهایی در این زمینه بوداریم

طريق تحرکات ضدانقلاب قرار است اين حقوق مورد تعرض قرار بگیرد) و هم در تنظیم مناسبات با مجلس و پاسخگویی به مطالبات نمایندگان و شکایاتی که از طریق کمیسیون اصل نودم قانون اساسی وارد سیستم می شود. این ها بخشی از عرصه هایی است که اهمیت این جايگاه را نشان می دهد.

• نقش معاونت حقوقی رياست جمهوري را چطور ارزیابی می کنید؟

يک بخش از مسئولیت معاونت حقوقی رياست جمهوري هم مثل ديگر معاونت های حقوقی، پاسخگویی به نيزاهات داخلی خود نهاد، عرضه قوانین و مقرراتی که مطرح است و تصمیماتی که دولت یا نهاد رياست جمهوري می خواهد بگیرد می باشد که طبیعتاً گسترده تر از ديگر واحدهای حقوقی است (غير از وزارت اطلاعات). چون از ما در همه عرصه های اقتصادي، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی، خارجی و داخلی نظر خواسته می شود و ما باید پاسخگو باشیم و اتفاقاً يكی از هنرهای معاونت حقوقی و امور مجلس در وزارت اطلاعات همین است که بتواند عقبه کارشناسی وزارت را - که بسيار هم پرتوان و نیرومند است - در اختیار کمیسیون های دولت و مجلس و بحث های کارشناسی موجود در کشور بگذارد ولی ديگر وزارتاخانه ها مسئولیت شان محدود می شود به همان حوزه خاص تخصصی خودشان. در مقایسه بين معاونت حقوقی رياست جمهوري با ديگر وزارتاخانه ها،

به خصوص که به هر صورت دستگاه هایی غیر از وزارت اطلاعات از ابزار اطلاعاتی و اهداف اطلاعاتی - ولو برای حوزه ای خاص - برخوردار هستند و طبیعتاً کسی که امکاناتی در اختیار دارد امکان این که گاهی هوس کند خارج از حوزه فعالیت خود نیز این ابزار را به کار بگیرد برایش ایجاد می شود. به خصوص اگر ما به اطلاعات به عنوان ابزار قدرت نگاه بکنیم که البته همه سعی قانونگذار بر این بوده که این ابزار قدرت در اختیار شخص و اهداف شخصی قرار نگیرد و کاملاً در چارچوب سیستم و اهداف نظام به کار گرفته شود. بنابراین ما به صورت طبیعی و در طول سال های بعد از تصویب قانون وزارت اطلاعات با یک سلسله چالش های محدود روپرور بوده ایم و هستیم. این از یک سو از سوی دیگر، تحولاتی که در وضعیت کشور در دوره های مختلف به وجود آمده و تحولاتی که در عرصه بین المللی رخ داده منجر به این شده است که تعریف های جدیدی از سیستم اطلاعاتی و کارکردهای آن ارایه بشود. شما می دانید در سال های اخیر یکی از موضوعات جدی ای که در دستگاه های اطلاعاتی مورد بحث و گفتگو بوده است بازنگری در اهداف، وظایف، مسئولیت ها و حتی ابزارهای کار اطلاعاتی است که سیستم اطلاعاتی ایران هم نمی توانست از این وضعیت مستثنی باشد و متناسب با این تحولات، تغییراتی در گفتمان، ابزار و شیوه های کاری خود ایجاد کرده است که دستمایه افراد برای بعضی فعالیت های اطلاعاتی به سبک و سیاق گذشته شده است. این عوامل به اضافه فضایی که به خصوص در سال های اخیر ایجاد شد و به نوعی بی اعتمادی بین دستگاه های حکومتی نسبت به همدیگر دامن زد و همچنین اختلاف نگاه و سلایقی که وجود دارد و ضرورت حفظ امنیت و جهت گیری هایی که به این مسئله کمک می کند، دست به دست همدیگر داده و چه بسا به پاره ای از فعالیت ها که از آن به عنوان «فعالیت های موازی اطلاعاتی» یاد می شود، منجر شده است.

منتهی نکته ای که وجود دارد این است که اولاً، هیچ کس به انجام چنین فعالیتی به طور رسمی ادعای ندارد و ثانیاً، در عمل هم هیچ دستگاهی قادر به انجام کارهایی که وزارت اطلاعات مسئولیت انجامش را دارد نیست و اگر وارد شود هم کار را و هم خودش را خراب می کند و مجبور است عقب نشینی کند.

اشاره به عوامل یاد شده به این معنا نیست که ما مشکل قانونی نداریم یا قوانین موجود بهترین قانون برای شرایط فعلی هستند. چه بسا که خود ما هم به عنوان متولی «سیستم اطلاعاتی مادر» این داعیه را داشته باشیم که متناسب با شرایط جدید یک سلسله تغییرات در قوانین موجود ایجاد بکنیم. گرچه دغدغه جدی ای از رهگذار فعالیت های موازی اطلاعاتی وجود ندارد (به دلیلی که اشاره کردم و به دلیل این که به هر صورت اگر خطر جدی ای بخواهد از این رهگذار کیان نظام را تهدید کند مسئولین دلسوز ماقطعاً جلوی آن را خواهد گرفت)، اما شاید الان که بر می گردیم به قانون تأسیس وزارت اطلاعات و به خصوص به قانون تمکر اطلاعات که در سال ۶۸ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده احساس می کنیم که این قوانین با توجه به شرایط آن دوره شکل گرفته است و شاید الان بخشیدهایی از آن قابل اجرانباشد و ناگزیر هستیم که تغییراتی در آن ایجاد بکنیم.

از این جهت این دغدغه را داریم که یک نگرش دقیق و علمی و کارشناسی و منطبق با مصالح نظام و منافع کلان ملی به قوانین موجود داشته باشیم و تغییراتی که متناسب با این شرایط و واقعیتهای جامعه لازم می دانیم قانون نمند بکنیم. نکته مهم این است که اولاً، به فعالیت های اطلاعاتی سامان بدھیم و هر کس هر کار می کند همراه با مسئولیت پذیری و پاسخگویی باشد و ثانیاً، کاری خارج از حدود قوانین انجام نگیرد.

پس به هر حال شما هیچ نقص قانونی در این مسایل نمی بینید؟ عرض کردم ما الان و به ویژه به قانون تمکر اطلاعات نگاه می کنیم

احساس می کنیم بخش هایی از آن قانون در این شرایط اجرایی نیست و الا نقص قانونی به این معنا که خلاء یا ابهامی در حیطه مسؤولیت وظایف هر دستگاه اطلاعاتی وجود داشته باشد، چنین چیزی وجود ندارد. قوانین موجود کاملاً شفاف است هم نسبت به مسؤولیت های وزارت اطلاعات و هم نسبت به مسؤولیت های سپاه و ارتش و نیروی انتظامی و قوه قضاییه و دیگران.

در مقولاتی مثل برخورد کیفری با مسایل ضد امنیتی نظر جاسوسی ظاهراً دو دیدگاه در کشور وجود دارد. یکی این است که نظرات وزارت اطلاعات قاطع است و به عنوان یک کارشناس رسمی نظام محسوب می شود که می تواند در آن زمینه حرف آخر را بزند و دیدگاه دیگر این است که نظر وزارت یک نظر است و قاضی در این زمینه ها باید به نظر خودش برسد؟

این یکی از بحث های جدی است که به نظر مادر این جا ضعف قانون داریم و یک پیش نویس هم تهیه کرده ایم که انشاء الله بزوی از طریق مجلس یا دولت در مجرای تصویب قرار می گیرد. ما معتقدیم وزارت اطلاعات از نظر قانونی باید به عنوان کارشناس امنیتی کشور شناخته شود و حداقل نظریه کارشناسی آن الزاماً روی هر پرونده ای باشد. این که آیا قاضی موظف است به این نظر عمل کند یا نه، حرف دیگری است. همچنان که نظریه پژوهشکار قانونی و یا نظریه سازمان نظام پژوهشکار در مورد تخلفات پژوهشکار، به تضمیم گیری صحیح و واقع بینانه قاضی کمک می کند بدون آنکه او ملزم به پذیرش آن باشد. به نظر ما این نقیصه

نقش دیگری که از معاونت حقوقی ریاست جمهوری انتظار می رود و علی القاعده وجود دارد ایجاد هماهنگی و انسجام بین مجموعه واحد های حقوقی دستگاه های دولتی است و توجه کلان به نیازمندی ها و مشکلات واحد های حقوقی دستگاه های مختلف دولتی و احیاناً تهیه آین نامه ها و دستور العمل هایی که بتواند ناظر به این بخش از مشکلات یا نیازمندی ها باشد

وجود دارد و ما در صدد جبرانش هستیم. سوال آخر اینکه آیا وزارت اطلاعات خود را ضابط قوه قضایی می داند یا نه و اگر خود را ضابط قوه قضاییه نمی داند و ضابط قضایی نیست برخی از بازداشتها و مسایلی از این قبیل چطور توجیه می شود آیا قانون خاصی در این باره هست؟

ما معتقد هستیم که باید در بعضی از عرصه های مشخص و تعریف شده - و نه به صورت کامل - ارزشونات و امتیازات یک ضابط برخوردار باشیم. چون بخش کوچکی از نیروهای وزارت اطلاعات در عرصه هایی فعالیت می کنند که نیاز به این اختیارات دارند. در قوانین موجود چنین عنوانی که از نیروهای وزارت اطلاعات به عنوان ضابط دستگاه قضایی نام برده شده باشد وجود ندارد.

طبیعتاً استفاده از اختیارات یک ضابط بعضی با مشکلاتی روبرو می شود که در موقع لزوم با حکام خاصی از سوی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری حل شده است. اگر در جایی اقدام به بازداشت یک متهم شود برآسان مجوز قضایی و حکم خاص انجام می گیرد و خارج از این چارچوب نمی توان اقدام به بازداشت کسی کرد. به عبارت دیگر، در وزارت اطلاعات هیچ اقدامی در رابطه با حقوق افراد و در برخورد با متهمین صورت نمی گیرد الا این که باید مبتنی بر یک حکم از قاضی واجد شرایط باشد.